

## شعر جهان

### رومانه

### پل سلان



#### سنگ

سنگی در هوا که من دنبال می کنم  
چشم تو، چنان کور چون سنگی  
ما دست بودیم  
ما تاریکی را خالی کردیم  
ما کلمه را یافتیم  
کز پس تابستان می آمد  
گل  
گل - کلمه ای کور  
چشم تو و چشم من  
آبیاری اش می کند  
رشد  
دیوار قلب بر دیوار قلب  
برگ می دهد  
یک کلمه دیگر، مثل این، و چکش ها  
تاب می خورند در فضا

#### کلن

در کلن  
شهری از راهبه ها و استخوان ها  
و پیاده رویایی گزیده شده  
با سنگ های مرگ آور  
و زنده ها  
و ساحره ها  
من برشمردم دو و هفتاد تغن را  
همه به خوبی تعریف شده  
و چندین بوی زننده  
شما ای حوریان  
که بر فاضلاب ها  
و گودال ها  
حکم می رانید  
رود این بسیار پر آوازه است  
پس بشوید شهر کلن تان را  
اما به من بگوئید ای حوریان  
کدام قدرت از این پس  
رودخانه راین را می شوید؟

#### با صدا

با صدای یک موش صحرایی  
تو جیغ می کنی  
سنجاق تیزی به پیراهنم می بندی  
که از پوستم می گذرد  
و پارچه ای در دهانم فرو می کنی  
از اعماق من  
سایه ای با تو  
حرف های غم انگیزی می زند

«پل سلان» در ۲۳ نوامبر ۱۹۲۰ در «چرنوویتس» در پادشاهی رومانی متولد گردید و ۲۰ مه ۱۹۷۰ درگذشت. او اهل رومانی و از بزرگ ترین شاعران قرن بیستم بود.  
زادگاه او که در زمان تولدش در رومانی واقع بود اکنون در محدوده جغرافیایی کشور اوکراین قرار دارد. شمال رومانی و زادگاه سلان ۱۹۴۰ به اشغال سربازان ارتش سرخ شوروی درآمد و یک سال بعد شاهد یورش نیروهای آلمان و ارتش رومانی بود. یهودیان پس از تسخیر این منطقه مجبور به زندگی در «گتو» شدند. پدر سلان ۱۹۴۲ بر اثر بیماری در اردوگاه از دنیا رفت و مادرش تیرباران شد. پل سلان نیز مدتی در اردوگاه های کار اجباری رومانی به کار گماشته شد. تابستان سال ۱۹۴۴ نیروهای شوروی دوباره این منطقه را اشغال کردند و پل سلان پس از خاتمه جنگ تا سال ۱۹۴۷ در این شهر به تحصیل ادامه داد.  
سلان یک سال پس از پایان تحصیلاتش در رشته زبان و ادبیات رومانیایی، راهی پایتخت اتریش، وین، شد و بعد به پاریس رفت. نخستین مجموعه شعر او نیز در همین سفر در وین منتشر شد اما غلط های چاپی فراوان و صفحه بندی نامناسب آن شاعر مهاجر را بر آن داشت تا اندکی بعد خواهان جمع آوری تمام نسخه های کتاب شود. کتابی که سلان آن را به عنوان اولین مجموعه از شعرهایش قبول داشت، «خشخاش و حافظه»، سه سال بعد در اشتوتگارت آلمان انتشار یافت. چاپ این مجموعه و تعدادی شعر در نشریه ها شهرت زیادی برای سلان به همراه داشت و راه او را برای تثبیت شدن در میان شاعران آلمانی زبان پس از جنگ هموار کرد.  
پل سلان در سال های آخر عمرش ماه ها کارش به درمانگاه و آسایشگاه روانی کشید و از شواهد چنین بر می آید که او بیستم آوریل ۱۹۷۰ خود را در رودخانه ای در پاریس غرق کرده باشد.  
پل سلان نه تنها با فرهنگ و ادبیات چند کشور آشنا بود، که به چند زبان نیز تسلط داشت. شاعر رومانیایی الاصل خیلی پیش از آنکه در سال ۱۹۵۵ به تابعیت فرانسه درآید زبان این کشور را فرا گرفته بود. انگلیسی، روسی و ایتالیایی نیز از زبان های دیگری بودند که سلان از آنها به عنوان زبان مبدا و بعضاً مقصد در ترجمه هایش استفاده کرده است.  
فهرست شاعرانی که سلان آثارشان را به زبان های مختلف ترجمه کرده بسیار طولانی است. در این فهرست سهم روس ها از جمله «ماندلشتام» و «سرگئی یسین» و فرانسوی ها از «شارل بودلر» و «آرتور رمبو» تا «فرانسوا مالارمه» و «پل والری» قابل توجه تر است.  
در میان بیش از چهل شاعر و نویسنده ای که سلان به ترجمه آثارشان پرداخته به نام هایی چون «جوزیه اونگاری»، «فرناندو پسوا»، و «امیلی دیکسون» نیز بر می خوریم. اگر انبوه شعرهای ترجمه شده سلان از زبان های مختلف را در نظر بگیریم، ساکن و شهروند زبان خواندن او اغراق آمیز نیست.

## خاطرات

میترا بدیهه

## نقد کتاب

محمد امین فصحتی (سینا)

## گوناگون

محمود درخ بخش زمین

## باشاعران

## شعر جهان



قلمم را نگذارم به زمین  
تا جهان تاریک است  
زندگه، آب و سرچشمه  
همین نزدیکی ست  
ای بشارتگر خورشید و امید  
تا تو دردست من  
زندگانه زیباست

امیر همایون یزدان پور

